کد خبر: ۲۸۳۷۰۰
چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۰ ۰:۰۷

گزارش رصد فرهنگی (۱۴)

فرهنگ اقتصادی ایرانیان

فرهنگ اقتصادی عبارت است از نگرش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کنش‌های اقتصادی افراد در یک اجتماع و هر آنچه که افراد در مورد پدیده‌های اقتصادی می‌اندیشند و در حوزهٔ اقتصاد عمل می‌کنند. گزارش حاضر سعی دارد بر مبنای یافته‌های حاصل از پژوهش‌های دیگر به توصیف فرهنگ اقتصادی ایرانیان بپردازد. این گزارش توسط دکتر خیام عزیزی مهر، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نوشته شده است.

مقدمه

فرهنگ اقتصادی عبارت است از نگرش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کنش‌های اقتصادی افراد در یک اجتماع و هر آنچه که افراد در مورد پدیده‌های اقتصادی می‌اندیشند و در حوزهٔ اقتصاد عمل می‌کنند. نگرش‌ها و گرایش‌ها بیانگر وجه ذهنی فرهنگ اقتصادی و کنش‌ها وجه عینی آن به‌شمار می‌رود، اما خودِ کنش‌ها بر گرایش‌ها و نگرش‌های ذهنی افراد استوار هستند؛ برای مثال خساست به خرج دادن یا تجمل‌گرایی کنش‌هایی هستند که هر یک از دیدگاه‌های خاصی ناشی می‌شوند. دیدگاه‌ها و نگرش‌ها نیز تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی هستند. ترکیب مفاهیمی مثل فرهنگ و اقتصاد نشان‌دهندهٔ اثرپذیری کنش اقتصادی از دیگر حوزه‌ها است. بدین‌ترتیب، در بررسی فرهنگ اقتصادی ناگزیر از پرداختن به وجه ذهنی و عینی آن هستیم که در سه سطح بینش، منش و کنش (نگاهداری، ۱۳۸۶) قابل طرح است.

بینش اشاره به دیدگاه‌های ذهنی، جهت‌گیری‌ها و نوع طرز تلقی از پدیده‌های مختلف دارد که اگر این پدیده-ها اقتصادی باشند، آن‌گاه ما با بینش اقتصادی سروکار داریم. از این‌رو، ارزش‌هایی که در رفتارهای اقتصادی نمود پیدا می‌کنند و تلقی از کنش اقتصادی بازتاب‌دهندهٔ بینش اقتصادی هستند؛ برای مثال کنش سودجویی شدید یا رفتار خیرخواهانه هر کدام از یک بینش اقتصادی خاصی ناشی می‌شوند. منش اقتصادی دربردارندهٔ تعهد به رفتار اقتصادی انسانی در جامعه و آمادگی و روحیه لازم جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی است (همان). منش‌های اقتصادیِ متفاوت می‌تواند مسیر توسعه و انباشت سرمایه در جامعه را تغییر دهند؛ برای نمونه، در جامعه‌ای که افراد تعهد بالایی به قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی داشته باشند، نسبت به جامعه‌ای که میل به مصرف بیشتر و تجمل‌گرایی دارد امکان انباشت سرمایه بیشتری دارد. کنش اقتصادی نیز شامل رفتارهای اقتصادی می‌شود که ریشه در ارزش‌ها دارند و منش‌ها به آن جهت می‌دهند.

با توجه به موارد بالا، مواردی مثل قناعت/تجمل‌گرایی، پس‌انداز، میل به مصرف، نگرش‌های اقتصادی، حمایت اجتماعی، سخت‌کوشی، سودجویی و نظایر آن، که برخی از آن‌ها ذهنی و برخی دیگر عینی هستند، را می‌توان نمودهای فرهنگ اقتصادی در نظر گرفت و برای بررسی فرهنگ اقتصادی در یک جامعه باید وضعیت آنها را در نظر گرفت.

دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به فرهنگ اقتصادی جوامع مختلف وجود دارد و در ایران برخی از روشنفکران و پژوهشگران از وجود سودجویی شدید اقتصادی در میان مردم صحبت می‌کنند و دسته‌ای دیگر از اندیشمندان نبود عقلانیت اقتصادی در میان ایرانیان را دست‌مایهٔ انتقاد قرار داده‌اند. فقدان روحیه کارآفرینی و سخت-کوشی،

و میل به مصرف‌گرایی از دیگر توصیف‌هایی است که در باب فرهنگ اقتصادی ایرانیان صورت گرفته است. اما، با فقدان کار پژوهشی مبتنی بر داده‌های تجربی مواجه هستیم، برخی پژوهش‌ها نیز داده‌هایی را تولید کرده‌اند که بر مبنای آنها می‌توان به تصویری از فرهنگ اقتصادی در ایران بدست داد. نوشته حاضر در این راستا تدوین شده و سعی دارد بر مبنای یافته‌های حاصل از پژوهش‌های دیگر به توصیف فرهنگ اقتصادی ایرانیان بپردازد. بدین منظور، تحلیل خود را بر روی یافته‌های بدست آمده از گزارش‌ها و پیمایش-های ملی بنا می‌نهد که اصلی‌ترین گزارش‌های بررسی شده شامل موارد زیر است. پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (۱۳۹۹)، موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵)، گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه (۱۳۹۶)، و گزارش‌هایی است که توسط مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش-های مجلس و دیگر نهادهای مربوطه منتشر شده‌اند. از آنجا که این گزارش‌ها مستقیم به موضوع فرهنگ اقتصادی نپرداخته‌اند، لذا، تنها از بخش خیلی کوچکی از داده‌های آنها می‌توان برای توصیف فرهنگ اقتصادی استفاده کرد و از این منظر با محدودیت داده مواجه هستیم. بخش عمده داده‌ها به نگرش‌های اقتصادی مرتبط هستند و بحث منش و کنش اقتصادی در آنها کمتر است. در گزارش حاضر ابتدا به‌طور اجمال وضعیت اقتصادی جامعه به تصویر کشیده شده و سپس یافته‌های مرتبط با فرهنگ اقتصادی را در محورهای زیر دسته‌بندی کرده و تفسیر کرده است: قناعت/تجمل‌گرایی؛ ثروت و فقر؛ رقابت و سودجویی؛ اعتماد؛ سرمایه‌گذاری؛ نگرش به کالای ایرانی؛ خصوصی‌سازی؛ مالیات‌گیری؛ یارانه و حمایت اجتماعی؛ و امید به آینده.

ثروت و فقر

بخش عمده‌ای از نظریه‌های اقتصادی و نابرابری، فقر را مولود ساختار و سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد در جامعه می‌دانند که باعث تجمیع ثروت در دست عدهٔ اندکی از افراد و عدم بهره‌مندی بخش بزرگ‌تر جامعه از دستاوردهای اقتصادی می‌شود. در مقابل، دسته‌ای دیگر از نظریات وجود دارند که مهم‌ترین عامل فقر و تنگدستی را به فقرا نسبت داده و آنها را افرادی می‌پندارند که تمایلی به کارکردن و سخت‌کوشی ندارند. افراد هر جامعه‌ای هم دیدگاه‌های متفاوتی به این موضوع دارند. در جوامعی که ساختارهای اقتصادی را عامل اصلی فقر می‌پندارند، فقرا را به خاطر فقرشان سرزنش نمی‌کنند و در عین حال نوک پیکان انتقادات را به سمت نظام حکم‌رانی می‌گیرند و اصلاح وضعیت را در گرو اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی می‌دانند. اما دیدگاه مقابل، در عوض با سرزنش فقرا معتقد است برای رهایی از فقر، آنها باید حضور فعال‌تری در بازار کار داشته باشند. دیدگاه دیگر در کنار ساختارهای اقتصادی ناکارآمد به ویژگی‌های فرهنگی جوامع در تولید فقر توجه می‌کنند؛ برای مثال اسکار لوئیس از فرهنگ فقر صحبت می‌کند که در باقی ماندن فقرا در وضعیت فقر مؤثر است. یکی از ویژگی‌های فرهنگی اخلاق اقتصادی اجتماعی رایج در جامعه است که افراد را یا به سمت سودجویی شدید بدون پای‌بندی به قیود اخلاقی سوق می‌دهد یا اینکه آنها را افرادی مقید به چارچوب‌های اخلاقی می‌کند. در جامعه ما، براساس یافته‌های پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه، ۴۸.۵ درصد و موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۴۰ درصد از پاسخگویان علت اصلی فقر و تنگدستی در جامعه ما را سودجویی و بی‌عدالتی می‌دانند، یعنی مهم‌ترین عامل فقر به اخلاق اقتصادی و فرهنگ اقتصادی ایرانیان برمی‌گردد؛ البته بی‌عدالتی بیشتر به سیاستگذاری و ساختارهای سیاسی اقتصادی مربوط است. این موضوع، به همراه سایر شواهد، نشان می‌دهد که ارزیابی ایرانیان از رعایت اخلاق اقتصادی در جامعه مناسب نیست و فرهنگ اقتصادی و رفتار اقتصادی ایرانیان را سودجویی و منفعت‌طلبی می‌دانند که گرایش به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در آن اندک و میل به تجمل‌گرایی و مصرف بالاست.

جدول شماره ۳: علل فقر و تنگدستی در ایران از دیدگاه پاسخگویان

عامل فقر

ارزشها و نگرشهای ایرانیان

گزارش وضعیت اجتماعی

قسمت و بدشانسی*

۴.۸

۳.۸

سودجویی و بی‏عدالتی**

۴۰.۰

۴۸.۸

تنبلی خود افراد

۱۸.۱

۱۶.۱

در خانواده فقیر به دنیا آمدن***

۱۰.۸

۵.۴

سیاست‏های اقتصادی دولت

۲۱.۴

۲۱.۴

* این گویه در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در دو گویه با عنوان بدشانسی و خواست و مشیت الهی دسته‌بندی شده است.

** این گویه در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در دو گویه با عنوان بی‌عدالتی در جامعه و سودجویی شدید دیگران دسته‌بندی شده است.

*** در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان این گویه به شکل «فقر خانوادگی» دسته‌بندی شده است.

پاسخگویان، پس از سودجویی، مهم‌ترین عامل فقر را سیاست‌های اقتصادی دولت و تنبلی خود افراد می‌دانند (۲۱.۴ و ۱۶.۱ درصد)؛ یعنی ساختارهای اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی اخلاقی جامعه را مهم‌تر از نقش خود فرد در تولید فقر می‌دانند. بخش عمده‌ای از چنین جهت‌گیری را می‌توان ناشی از شرایط اقتصادی و روحیه منفعت‌طلبی دانست که در سالیان اخیر در جامعه وجود دارد. همچنین، در دیدگاه‌های اقتصادی اجتماعی گاهی

اوقات بر نقش تقدیرگرایی در تولید فقر تأکید می‌شود، اما از نگاه پاسخگویان در جامعه ما این امر نقش چندانی ندارد و تنها ۸.۳ درصد از آنها شانس و تقدیر را عامل فقیر شدن می‌دانند. بدین ترتیب، نگرش جامعه در تولید فقر بیش از آنکه متوجه خود فرد باشد، بر عوامل بیرون از وی تأکید دارد. این موضوع با یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها نگرش‌های ایرانیان نیز هم‌خوانی دارد که براساس آن ۴۰ درصد از پاسخگویان سودجویی شدید دیگران و بی‌عدالتی در جامعه را عامل فقر و تنگدستی در جامعه بیان کرده-اند. همچنین از نظر ۱۸.۱ درصد از پاسخگویان تنبلی خود افراد است که باعث فقر می‌شود؛ البته، بر مبنای برخی شواهد دیگر بیشتر کسانی که عامل فقر را تنبلی فقرا می‌دانند مربوط به طبقات بالای جامعه هستند.

علاوه‌براین، در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان پرسش از علت فقر به شکل دیگری مطرح شده و در پاسخ به این پرسش که «بعضی‌ها می‌گویند اینکه گروهی در جامعه فقیرند، تقصیر خودشان است چون به اندازه کافی کار و تلاش نمی‌کنند. شما چقدر با این نظر موافقید؟» ۶۸.۶ درصد از پاسخگویان به میزان کم و خیلی کم با این موضوع موافق هستند و در مقابل تنها ۱۲.۳ درصد موافقت خود را به میزان زیاد/خیلی زیاد با آن اعلام کرده‌اند. بدین معنا است که افراد عامل فقر را در بیرون از خود فرد جستجو می‌کنند که این امر می-تواند یا ساختارهای اقتصادی ناسالم و مولد نابرابری و فقر یا سودجویی و منفعت‌طلبی افراد جامعه باشد.

جدول شماره ۴: میزان موافقت پاسخگویان با نقش افراد در فقیر شدن خویش

خیلی کم

کم

کم و بیش

زیاد

خیلی زیاد

۵۴.۸

۱۳.۸

۱۹.۱

۶.۰

۶.۳

۶۸.۶

۱۹.۱

۱۲.۳

منبع: پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان

تنها فقر نیست که افراد سودجویی شدید و ساختارهای اقتصادی ناسالم را عامل آن جامعه می‌دانند و نقش زیادی به قصور فردی داده نمی‌شود، این نگرش به‌شیوه‌ای دیگر در مورد ثروتمند شدن نیز وجود دارد؛ در همین پیمایش ۵۱.۸ درصد از افراد با این گزاره که «موفقیت ثروتمندان در جامعه ما محصول کار و تلاش آنها است» مخالف و تنها تنها ۱۸.۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که موفقیت ثروتمندان در جامعه ما محصول کار و تلاش آنها است.

جدول شماره ۵: میزان موافقت پاسخگویان با گزارة موفقیت ثروتمندان در جامعه ما محصول کار و تلاش آنها است

خیلی کم

کم

کم و بیش

زیاد

خیلی زیاد

۳۳.۴

۱۸.۴

۲۹.۷

۱۱.۵

۷.۰

۵۱.۸

۲۹.۷

۱۸.۵

منبع: پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان

همچنین، مطابق با موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، بخش بزرگی از جامعه معتقدند که پول‌دار شدن نه با تلاش و کوشش، بلکه به خاطر رانت و پارتی‌بازی است؛ ۴۶.۷ درصد از پاسخگویان با این گزاره که در ایران «بیشتر ثروتمندان ایران از طریق غیرقانونی یا رانت و پارتی به این ثروت دست یافته‌اند» موافق هستند. این یافته نشانگر بدبینی افراد به ساختارهای توزیع ثروت در جامعه است که پیامد آن می‌تواند کاهش گرایش به تلاش بیشتر، سخت‌کوشی و تلاش برای انباشت سرمایه باشد.

جدول شماره ۵: نقش رانت و پارتی در ثروتمند شدن افراد

کاملاً مخالف

مخالف

نه موافق، نه مخالف

موافق

کاملاً موافق

۲.۳

۱۴.۳

۳۵.۸

۳۴.۵

۱۲.۲

۱۶.۶

۳۵.۸

۴۶.۷

منبع: موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

این نگرش و تأکید بر عوامل غیرشخصی در (عدم)موفقیت‌ها و دستاورد را حاصل عواملی غیر از کار، تلاش و کوشش دانستن، در یافتن شغل نیز خود را نشان می‌دهد؛ در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۷۴.۶ درصد از پاسخگویان اهمیت پارتی و آشنا را در یافتن شغل زیاد و خیلی زیاد بیان کرده‌اند در حالی‌که تأثیر تخصص و شایستگی را کمتر از ۴۰ درصد دانسته‌اند. چنین دیدگاه و نگرشی باعث می‌شود افراد بیش از اینکه دنبال تلاش و کوشش باشند، به دنبال راه‌هایی دیگر برای دستیابی به ثروت و یافتن شغل مناسب باشند. این موضوع پیوند وثیقی با نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی دارد؛ برای مثال طبقات بالا و مسئولان بلندپایه، برخلاف طبقات پایین‌تر و فقرا، دارای سرمایهٔ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بالایی هستند و می‌توانند از این سرمایه‌ها در راستای ارتقاء موقعیت اجتماعی اقتصادی خویش بهره ببرند، در حالیکه گروه-های فاقد قدرت از چنین سرمایه‌هایی محروم هستند. بدین‌ترتیب، می‌توان ادعا کرد که از نظر مردم، عوامل بهبود وضعیت اقتصادی و شغلی در خدمت منافع افراد طبقات متوسط و بالاتر هستند و برای آنها عملکرد بهتری دارند.

جدول شماره ۶: نقش عوامل مختلف در دستیابی به شغل

موضوع

خیلی کم

کم

متوسط

زیاد

خیلی زیاد

تخصص و شایستگی

۱۱.۶

۱۸.۳

۳۰.۳

۲۷

۱۲.۸

پارتی و آشنا

۲.۹

۵.۹

۱۶.۵

۳۳.۲

۴۱.۴

شانس و اقبال

۸.۸

۱۸.۹

۳۶.۵

۲۴.۲

۱۱.۵

گرایش(خط و ربط) سیاسی

۵.۴

۱۴.۸

۳۹.۴

۲۵.۶

۱۴.۹

منبع: موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

امید به آینده

یک ویژگی فرهنگی در جامعه امیدواری و داشتن امید به آینده است. امید به آینده معمولاً بر تصورات و پنداشتی که مردم از شرایط دارند استوار است و میزان آن در جهت‌دهی به کنش‌ها تأثیرگذار است. این موضوع در حوزه اقتصاد نیز صدق می‌کند و ارتباط محکمی با فرهنگ اقتصادی و کنش‌های اقتصادی دارد. امید به آینده در دو سطح قابل بررسی است؛ یکی سطح کلان و عمومی است که منظور امید به بهتر شدن وضعیت کلی جامعه است و دیگری امید به بهبود وضعیت فردی، هرچند برعکس وضعیت کلی جامعه باشد؛ ممکن است یک فرد انتظار بهبود اوضاع اقتصادی جامعه را نداشته باشد ولی از طرف دیگر با توجه به برنامه‌ریزی و فعالیت خود انتظار بهبود شرایط خویش را داشته باشد، یا برعکس آن نیز امکان‌پذیر است. این موضوع به شدت متأثر از شرایط اقتصادی است. مطابق با یافته‌های پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ۳۰.۶ درصد از پاسخگویان در یک سال منتهی به پیمایش توانسته‌اند فراتر از نیازهای خویش درآمد کسب کنند و در طی سال یا پس‌انداز داشته باشند یا کالای خود را تبدیل به احسن کنند. این درحالی است که ۳۲.۹ درصد از پاسخگویان نتوانسته‌اند با درآمدهای خویش نیازهای‌شان را تأمین کنند که برای ۲۴ درصد از آنها نه تنها درآمدشان کفاف هزینه‌ها را نداده، بلکه برای تأمین نیازهای خویش حتی مجبور به قرض گرفتن نیز شده‌اند. علاوه‌براین، ۳۶.۸ درصد کل عایدی خویش را خرج کرده و ۸.۹ درصد نیز از سرمایه و پس‌اندازهای خویش برای تأمین نیازهای‌شان استفاده کرده‌اند که به‌معنای کاهش قدرت اقتصادی آنها بوده است. بنابراین، نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخگویان نتوانسته‌اند پس‌اندازی داشته باشند و یا اینکه بخشی از پس‌انداز قبلی خویش را نیز خرج کرده‌اند.

جدول شماره ۳۱: وضعیت درآمدی افراد در یک سال منتهی به پیمایش

وضعیت

درصد معتبر

توانسته مقداری پس‏انداز داشته ‏باشد

۲۰.۷

توانسته خرید یا جابجایی واحد مسکونی داشته‏ باشد

۹.۶

هرآنچه که عایدی داشته خرج کرده‏ است

۳۶.۸

مقداری از سرمایه‏ و‏ پس‏ انداز سابق را هم خرج کرده ‏است

۸.۹

کم آورده، قرض و وام گرفته ‏است

۲۴

منبع: گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه

براساس یافته‌های حاصل از پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان، ۶۱.۱ درصد از پاسخگویان احتمال رسیدن به خواسته‌های اقتصادی خویش در ایران را کم و تنها ۱۳.۷ درصد آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، براساس این یافته‌ها بیشتر ایرانیان امید زیادی به دستیابی به اهداف اقتصادی خویش ندارند. این امر می‌تواند آنها را به جای فعالیت‌های اقتصادی زمان‌بر سوق دهد، آنها را به سمت راه‌هایی ببرد که در کوتاه-مدت و به‌شیوهٔ غیرمشروع به خواسته‌های اقتصادی خویش دست یابند. این یک آسیب فرهنگی در حوزه اقتصاد است که ریشه در عوامل بیرونی دارد.

جدول شماره ۳۱: میزان احتمال دستیابی افراد به خواسته‌ای اقتصادی در ایران[۱]

خیلی کم

کم

تاحدی

زیاد

خیلی زیاد

۴۵.۱

۱۶.۰

۲۵.۱

۸.۷

۵.۰

۶۱.۱

۲۵.۱

۱۳.۷

منبع: پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان

با توجه به اینکه افراد ارزیابی مناسبی از شرایط نداشته و در عین‌حال بسیاری از آنها نتوانسته‌اند پس‌انداز داشته باشند احتمال موفقیت اقتصادی خویش در ایران را کم ارزیابی کرده و در عین حال امید آنها برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و کاهش نابرابری در آینده زیاد نیست. در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵)، ۶۵.۵ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که فاصله ثروتمندان با فقرا در ۵ سال گذشته بیشتر شده و ۶۳.۹ درصد نیز معتقد بودند که در ۵ سال آینده نیز این فاصله بیشتر خواهد شد، شرایط اقتصادی کشور از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ باعث شد آنچه که بیشتر مردم انتظار داشتند به واقعیت بپیوندد. همچنین، در پیمایش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان ۶۲.۶ درصد از پاسخگویان معتقدند در ۵ سال آینده وضعیت اقتصادی کشور بدتر می‌شود. بدین‌ترتیب، بیشتر پاسخگویان انتظار زیادی برای بهبود وضعیت اقتصادی خویش و جامعه ندارند و معتقدند که وضعیت اقتصادی جامعه در سال‌های آینده بدتر خواهد شد و احتمالاً کنش‌های اقتصادی خویش را متناسب با این دیدگاه تنظیم کنند.

جدول شماره ۳۲: نگرش مردم نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه در ۵ سال آینده

بهتر می شود

فرقی نمی کند

بدتر می شود

۲۳.۹

۱۳.۵

۶۲.۶

منبع: پیمایش ملی نگرش‌های اقتصادی ایرانیان

جمع‌بندی

فرهنگ اقتصادی، شامل نگرش‌ها و کنش‌های اقتصادی، مؤلفهٔ مهمی در مسیر توسعه و رشد اقتصادی است. فرهنگ یک فرآورده تاریخی به‌شمار می‌رود که از شرایط کنونی نیز تأثیر می‌پذیرد و در عین حال اثر خود را در تمام جنبه‌های زندگی امروزی نشان می‌دهد. یک بعد مهم فرهنگ اقتصادی نگرش‌های اقتصادی است که در میان افراد جامعه رواج دارد و با وجود ریشهٔ تاریخی، به صورت پنداشت از شرایط موجود نمایان می-شود. امروزه افراد پنداشت مطلوبی از وضعیت اقتصادی جامعه و رفتارهای اقتصادی دیگران ندارند و به همین خاطر شاهد یک نگرش نسبتاً منفی اقتصادی در جامعه هستیم که مطابق آن بیشترِ افراد دیگران را سودجو و غیرقابل اعتماد برای مشارکت اقتصادی دانسته و همین سودجویی را، حتی بیشتر از سیاستگذاری اقتصادی، تنبلی افراد و تقدیرگرایی، عامل اصلی فقر در جامعه می‌پندارند. بیشتر افراد فقر را ناشی از جامعه، ساختارهای اقتصادی و عواملی بیرون از فرد می‌دانند و چنین نگاهی به ثروتمندان هم وجود دارد که ثروت را نه به ویژگی و شایستگی‌های فردی، بلکه برخورداری از رانت و رابطه نسبت می‌دهند. یک جز دیگر فرهنگ اقتصادی ایرانیان گرایش بیشتر به رقابت اقتصادی و اولویت‌بخشی به آن است چرا که رقابت آزادانه را سبب از بین رفتن رانت و امتیازات ویژه می‌دانند و بدین ترتیب، هر کسی بر مبنای شایستگی خویش می-تواند دستاورد کسب کند و به آنچه که شایسته آن است دست پیدا کند. علاوه‌براین، در دوگانه قناعت و تجمل‌گرایی مردم هم‌نوایی بیشتری با مورد دوم دارند و بر این نظرند که افراد دارای تمکن مالی امروزه از چنین زندگی‌هایی برخوردارند و چنین زندگی

یادآور ضرب‌المثل دارندگی و برازندگی است که حمایت بخش بزرگتر جامعه را در پشت سر خود دارد.

بدین ترتیب، از نگاه اکثر مردم فقر و ثروت نه حاصل عملکرد فردی، بلکه ناشی از عوامل غیرفردی است. لذا، این نگرش بر کاستن از ارزشِ کار و تلاش نزد مردم اثر می‌گذارد، زیرا معتقدند که دستاورد لازم را به همراه ندارد، بلکه عوامل دیگری دستاوردها را تعیین می‌کنند. در نتیجه ما شاهد یک بدبینی و ناهماهنگیِ شناختی در جامعه هستیم که تبدیل به جزء اساسی فرهنگ اقتصادی ایرانیان شده است؛ البته این موضوع با واقعیات موجود در جامعه پیوند دارد.

ناهماهنگی شناختی موجود دربردارندهٔ گونه‌های مختلفی از تضاد است که کنش‌های اقتصادی بر آن استوار است. یکی از تضادها مربوط به نگرش‌های ذهنی و آن چیزی است که در عمل رخ می‌دهد؛ برای نمونه، درمجموع مردم ویژگی‌های منفی اقتصادی را در جامعه زیاد می‌دانند و تلقی آنها از رفتارها و نگرش‌های اقتصادی دیگران نسبتاً منفی است، اما موافقتی با چنین شرایطی ندارند و خواستار تغییر آن هستند. علاوه-براین، مردم، فعالیت‌های واسطه‌ای را به‌لحاظ اخلاقی ناپسند می‌شمارند، اما معتقدند، به خاطر سودآوری آن، افراد جامعه به‌راحتی وارد چنین فعالیت‌هایی شده‌اند. به عبارت دیگر، شاهد یک تضاد بین نگرش به روش-های پول درآوردن و شیوه‌های رایج پول درآوردن که به خاطر تبدیل شدن پول به معیار اصلی ارزیابی اجتماعی است. یک گونهٔ دیگر تضاد مربوط به اعتقاد به لزوم خرید کالای ایرانی برای حمایت از آن و کیفیت پایین کالاهای تولید داخل است که اعتماد مردم را برای خرید جلب نکرده است. هرچند بیشتر مردم معتقدند برای حمایت از تولید داخل بهتر است کالای ایرانی را خریداری کرد، اما در عمل، به خاطر بدبینی به تولید داخلی، خرید کالای خارجی را بر داخلی ترجیح می‌دهند. تضاد دیگر مربوط به دیدگاه آنها درمورد اصل خصوصی‌سازی و شیوهٔ اجرای آن در ایران است؛ چرا که بیشتر افراد با اصل خصوصی‌سازی موافق ولی معتقدند این اصل در ایران خوب اجرا نشده است.

بدین ترتیب، نگرش افراد از رفتارهای اقتصادی دیگران تلقی مثبتی ندارند و آن را مغایر با ارزش‌های اقتصادی می‌دانند. اما از آنجا که آن را وجه غالب فرهنگ اقتصادی جامعه می‌پندارند که اگر خود از آن پیروی نکنند، بازنده مناسبات اقتصادی خواهند شد. بنابراین، خود نیز به سمت چنین رفتارهایی گرایش پیدا می‌کنند و این شکل‌دهندهٔ ناهماهنگی شناختی در بین افراد جامعه در حوزه فرهنگ اقتصادی است.

[۱]. با پرسش زیر سنجش شده است: فکر میکنید چقدر بتوانید در ایران از نظر اقتصادی به آن چیزی که میخواهید، برسید؟